



# کودکی، من و سینما

مجموعه خاطرات

ماشالله راجی



سرشناسه: راجی، ماشاالله، ۱۳۴۱-  
عنوان و نام پدیدآور: کودکی، من و سینما: مجموعه  
خاطرات/ماشالله راجی.  
مشخصات نشر: پندرعباس: سمت روشن کلمه، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۵-۷۹-۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیفا  
یادداشت: تمایه.  
موضوع: راجی، ماشاالله، ۱۳۴۱-- خاطرات  
موضوع: سینما-- ایران-- تهیه کنندگان و کارگردانان--  
سرگذشتنامه  
موضوع: -- Motion picture producers and directors  
Iran -- Biography  
رده بندی کنگره: PN۱۹۹۸/۳  
رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳-۲۳۳۰-۹۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۰۵۲۲  
وضعیت رکورد: فیفا

## کودکی، من و سینما

نویسنده: ماشاالله راجی  
مدیر اجرایی: هانا زارعی  
صفحه آرا: طاهره پورهاشمی  
طراح جلد: سمیرا مهری  
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹  
چاپ و صحافی: گاندی  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال



پندرعباس. شهرک سجادیه. دلیران  
۲۲. ساختمان دوم. طبقه اول  
۰۹۱۷۳۶۵۷۰۵۰  
samtroshan@yahoo.com  
instagram.com/samt\_roshan

حق چاپ محفوظ است



|                           |    |
|---------------------------|----|
| مقدمه                     | ۷  |
| عشق مادرانه               | ۱۰ |
| آغاز تولد                 | ۱۲ |
| داستان پدربزرگ            | ۱۷ |
| خاطره‌ی عکاسخانه          | ۲۱ |
| دیوار باغ                 | ۲۶ |
| خانه‌ی پدر در زمستان      | ۳۴ |
| یاد خوش صندوق عکس‌ها      | ۳۷ |
| ورود تلویزیون به بندرعباس | ۴۱ |
| خاطره‌ی صادق کرده         | ۵۲ |
| شوق تحصیل                 | ۵۵ |
| ورود به دنیای تصویر       | ۶۳ |
| روزگار جوانی پدر          | ۶۸ |
| یادی از اصفهان            | ۷۴ |
| یاد سینما                 | ۷۶ |

# □ □ □ فهرست

|                        |     |
|------------------------|-----|
| عشق به دوربین          | ۸۱  |
| عشق به بازیگران        | ۸۶  |
| یافتن استعداد کودکان   | ۹۱  |
| یادی از هنرپیشه‌ها     | ۹۸  |
| یادگاری روزگار         | ۱۰۶ |
| مجله‌های بی خودی       | ۱۱۱ |
| یاد سه خاطره           | ۱۱۳ |
| یاد خوش پدر            | ۱۲۰ |
| خاطره خاک، پایون، نیلی | ۱۲۳ |
| خاطره‌ی فیلم خانه خدا  | ۱۲۹ |
| روایت بی پایان         | ۱۳۱ |
| نمایه                  | ۱۳۲ |

## مقدمه

وقتی پانزده سال پیش، داشتم این نوشته‌ها را می‌نوشتم، درد دل‌های خود را روی کاغذ سیاه می‌کردم. آن زمان معارف تاهستان بود و زمان بیکاری من. تصمیم گرفتم قسمتی از خاطرات خودم را که بیشتر مربوط به سینما بود را بنویسم. آن زمان، اصلاً فکر نمی‌کردم آن را چاپ کنم. خاطره‌هایی بود که در ذهن جمع شده بود و داشتم آن را روی کاغذ می‌آوردم. جمع که شد حدوداً دو ماه طول کشید. اولاً باید بگویم که ترتیب و توالی هر ماجرا ممکن است در بعضی جاها، به هم بخورد که در اصل ماجرا هیچ تغییری به وجود نمی‌آورد. دوم که این خاطرات من است نسبت به رسانه‌های تصویری آن زمان یعنی تلویزیون و سینما و ... در جای خود سعی کرده‌ام فضای بومی آن سال‌ها را نیز وارد و دخیل در کار کنم که رنگ و لعاب بومی به خود بگیرد. باید اذعان کنم که هر نوشته در زمان و حال خودش نوشته می‌شود و برحسب ذهن و نوشته و دیدگاه نویسنده و شرط سنی و جذابیت‌های زمانی شعور نویسنده شکل می‌گیرد. بنابراین این نوشته‌ها در کل زمانی نوشته شده است که دیدگاه من نسبت به سینما با امروزه روز

به کلی تغییر یافته است. اما، ویژگی‌های این نوشته این است که بیشتر خاطره‌های سینمایی ما را تازه می‌کند و با گروهی که قبلاً سینما می‌رفتند می‌تواند ارتباط بیشتری برقرار سازد و برای جوانان، لحظات خوش سینما رفتن و محیط قدیم را تداعی کند.

دقت در نوشته‌ها، فاصله‌ها را بیشتر نشان می‌دهد. فاصله‌های قدیم و جدید، نگاه‌هایی که دیگر نیستند، زمانی که این نوشته‌ها را می‌نوشتیم مادرم در قید حیات بود و تصمیم نداشتم که تابلویی از نبودن او را تصویرسازم. اما حس نوشتار این را می‌رساند که مادرم در لحظه نوشتن نبوده است که این‌گونه نیست و زبان نوشتاری این‌گونه است. خاطره‌های این نوشته در اصل باید ادامه می‌یافت تا پایان حیات مادرم که این را می‌گذارم برای وقتی دیگر، که فکر می‌کنم جلد دوم خاطرات دیگر سینمایی نباشد. هنوز به آن فکر نکرده‌ام. خاطراتی که مربوط به دوران بعد از ابتدایی یعنی دوران راهنمایی و دبیرستان باید باشد، که آن هم حس و حال خود را دارد. در هر صورت این مقدمه نه برای برائت از نوشته‌هاست و نه برای توجیه کاری که سال‌ها در سر داشتم و بعضی از خاطرات را جسته و گریخته در نشریات استانی قبلاً چاپ کرده بودم. که جوابگوی اصل مطلب نبود. در هیچ دوره از زندگی بنده هیچ‌گونه ادعایی در هیچ زمینه نداشتم و نسبت به فیلم و سینما نیز آنچه می‌خوانید، خاطره‌هایی است که رخ داده است و قصدم روشن کردن آنچه بوده که برای خودم اتفاق افتاده است و نقبی بوده به زندگی خودم و خاطراتم. این کتاب شاید دلیلی بر حضور تاریخ تصاویر در کشورمان باشد که علاقه مرا نسبت به سینما نشان می‌دهد. در این زمینه، تلاش کرده‌ام، ذهن خود را به ذهن مخاطب نزدیک کنم.

آنانی که در بندرعباس زندگی کرده‌اند شاید بتوانند با نوع گفتار و نحوه برخورد‌های نزدیک با آن جامعه را بهتر درک کنند، به خصوص قسمت‌هایی که مربوط به خانه و شهر و بافت قدیمی شهر است. در نهایت این کار علاقه‌ای است که سال‌ها در من مانده و پانزده

سال پیش دست‌نوشته‌ها را کناری گذاشته بودم و اصلاً جای آن‌ها را نیز نمی‌دانستم. این وسواس من در کارها که کارهای خود را اصلاً دوست ندارم باعث شده بود که نوشته‌هایم همراه با نوشته‌های دیگر در کنجی غریب مانده و با چرخشی در کاغذهای خودم به آن دست‌یافتم. کلی فیلم‌نامه و داستان و شعر باقی‌مانده که می‌تواند چاپ شود.

□□□□

www.ketab.ir